



بررسی رابطه مهارت حل مسأله با میزان سازگاری دانش آموزان پایه اول عمومی متوسطه منطقه بشاگرد در سال

تحصیلی 87-1386

عباس قلتاش^x - مسلم صالحی^x - مهدی خدادادی^x

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط مهارت حل مسأله با میزان سازگاری در دانش آموزان دختر و پسر منطقه بشاگرد می باشد. در این پژوهش جامعه آماری، کلیه دانش آموزان دختر و پسر منطقه بشاگرد در پایه اول عمومی دبیرستان 523 نفر بوده اند. حجم نمونه تعداد 60 نفر از دانش آموزان می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی ساده برگزیده شده اند.

ابزار سنجش شامل دو پرسشنامه حل مسئله هیپر (PSI) و پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی (AISS) بوده است.

یافته های حاصل از نمونه مورد مطالعه با استفاده از شاخص های آماری همبستگی و t مورد تحلیل قرار گرفته اند و نتایج زیر به دست آمده است:

1- بین توانایی حل مسئله و میزان سازگاری ارتباط وجود دارد که این مقدار در سطح 0/001 معنادار گردیده

است.

2- از نظر توانایی حل مسئله بین دو جنس تفاوت وجود ندارد و در سطح 0/614 معنادار گردیده است.

3- میزان سازگاری میان دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد و در سطح 0/195 معنادار گردیده است.



4- میان ابعاد سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد که تنها مقدار سطح معناداری بعد عاطفی کمتر از سطح قابل قبول (0/05) گردیده، بنابراین نتیجه می‌گیریم که پسران و دختران تنها در بعد عاطفی سازگاری با هم تفاوت دارند.

واژگان کلیدی: حل مسأله، سازگاری.

مقدمه

سازگاری با موقعیتهای جدید و متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییرات سریع اجتماعی است، کار آسانی نیست. تحقیقات اتکینسون (1983) نشان می‌دهد که هرگونه دگرگونی در زندگی آدمی، خواه خوشایند، خواه ناخوشایند، مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. (فلسفی نژاد، 1371). سازگاری اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که افراد و گروهها رفتار خود را به تدریج و از روی عمد یا غیر عمد تعدیل می‌کنند تا با فرهنگ موجود سازگار شوند. (آکسفورد، 1980، نقل از حسن زاده، 1382)

بی شک عوامل زیادی در دستیابی به این سازگاری مؤثرند، یکی از این عوامل مهارت حل مسئله می‌باشد. نزو¹ (1986) شیوه حل مسئله را فرایندی شناختی- رفتاری تعریف می‌کند که افراد، طی آن استراتژی‌های مؤثری برای مقابله با موقعیتهای مشکل زایی که در زندگی با آن مواجه می‌شوند را می‌شناسند یا کشف می‌کنند. (بهرامگیری، 1380)

به عبارتی کنار آمدن و سازگاری موفقیت آمیز با محیط اجتماعی، مستلزم مجموعه‌ای از مهارتهای حل مسائل بین شخصی است که نمی‌توان آنها را به وسیله آزمونهای هوش یا شخصیت اندازه‌گیری کرد. مهارت حل مسئله بر اهمیت عملیات شناختی در درک و فهم، واسطه‌سازی و حل تعارض‌های درون شخصی و بین شخصی تأکید می‌کند. (بلاک، ترجمه طاهر، 1380)

این پژوهش، ارتباط مهارت حل مسئله و میزان سازگاری را در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داده به علاوه از آنجا که دخترها و پسرها دنیای متفاوتی دارند و تحولاتی را که با آنها مواجهند، به شکل متفاوتی تجربه می‌کنند، لذا،



این تحقیق همچنین ارتباط بین مهارت حل مسئله و میزان سازگاری را با جنسیت نیز مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش در منطقه بشاگرد از استان هرمزگان در سال تحصیلی 86-87 انجام شده است.

اهداف پژوهش

اهداف کلی در این تحقیق بررسی ارتباط مهارت حل مسئله با میزان سازگاری در دانش آموزان دختر و پسر منطقه بشاگرد بوده است.

اهداف جزئی:

- 1- تعیین و مشخص نمودن توانایی حل مسئله و میزان سازگاری دختران و پسران
- 2- تعیین و مشخص نمودن توانایی حل مسئله بین دو جنس دختر و پسر
- 3- تعیین و مشخص نمودن میزان سازگاری میان دو جنس دختر و پسر
- 4- تعیین و مشخص نمودن میزان سازگاری بین دانش آموزان پایه اول دبیرستان منطقه بشاگرد
- 5- تعیین و مشخص نمودن توانایی حل مسئله بین دانش آموزان پایه اول دبیرستان منطقه بشاگرد

فرضیات تحقیق

- فرضیه اول: بین توانایی حل مسأله و سازگاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین توانایی حل مسأله دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه سوم: بین میزان سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه چهارم: بین ابعاد سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد .
- فرضیه پنجم : بین ابعاد حل مسأله و ابعاد سازگاری رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

از آن جا که در این پژوهش در صدد مشخص کردن ارتباط مهارت حل مسأله با میزان سازگاری و مقایسه این دو متغیر در دو جنس دختر و پسر منطقه بشاگرد بوده ایم . لذا روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده است .



جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش که نتایج تحقیق قابل تعمیم به آن است، کلیه دانش آموزان پایه اول عمومی مقطع متوسطه منطقه بشاگرد از استان هرمزگان بوده که تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، ۵۲۳ نفر بوده اند ..

روش نمونه گیری و حجم نمونه

نمونه مورد مطالعه در پژوهش به صورت روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند .

تعداد افراد نمونه ۵۸ نفر بوده اند که ۲۹ نفر دختر و ۲۹ نفر پسر از ۵۲۳ نفر دانش آموزان دختر و پسر در نظر گرفته شده است، که بین آزمودنی‌ها دو پرسش نامه حل مسأله و سازگاری ارائه شده است .

ابزار پژوهش

ابزار سنجش در این پژوهش پرسش نامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی^x و پرسش نامه حل مسأله هینر^{*} بوده است .

الف : پرسش نامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی :

در این پرسش نامه در سال ۱۹۹۳ توسط سینها^{*} و سینگ^{***} در دانشگاه پانتای هندوستان تهیه شده است و در سال ۱۳۷۷ توسط دکتر کرمی ترجمه و نگارش شده است، که دانش آموزان دبیرستانی و گروه سنی ۱۸-۱۴ سال را در سه حوزه سازگاری (عاطفی، اجتماعی و آموزشی) می‌سنجد . پرسش نامه شامل ۶۰ سؤال است. (در هر حوزه از سازگاری دارای ۲۰ سؤال می‌باشد).

در تجزیه و تحلیل سؤال‌ها، ضرایب اعتبار برای هر سؤال به روش همبستگی دو رشته‌ای آن‌ها در هر دو ملاک: ۱- نمره کل ۲- نمره هریک از حوزه‌ها، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید شده بود، تعیین گردید .



پرسش نامه از طریق همبسته کردن نمرات پرسش نامه با درجه بندی‌های مدیریت خوابگاه نیز اعتباریابی شده است. این درجه بندی روی داده‌های حاصل از ۶۰ دانش آموزی که در دبیرستان تحصیل می‌کردند. همبستگی ضریب گشتاوری حاصل بین نمرات پرسش نامه و درجه بندی مدیران ۵۱٪ به دست آمده است.

ب : پرسش نامه حل - مسأله هپنر:

حل مسأله هپنر (هپنر، ۱۹۸۸، هپنر و پترسون، ۱۹۸۲) در این تحقیق شامل ۳۰ ماده با یک مقیاس ۳ درجه ای (بلی، تا حدودی، خیر) اجرا شد. دلیل کم کردن این مقیاس ها این بود که دانش آموزان به سؤال جواب مطمئن و دقیق دهند و از سردرگمی در جواب سؤالات کاسته می‌شود. تحلیل عوامل (هپنر و پترسون) در این پرسش نامه وجود ۳ فاکتور را گزارش می‌دهد. کفایت حل مسأله، سبک گرایش و اجتناب و کنترل شخصی. کفایت در حل مسأله شامل اعتقاد و اطمینان به توانایی‌هایی حل مسأله فردی است. در واقع نوعی اعتقاد به خود در هنگام درگیری در طیف وسیعی از فعالیت‌های حل مسأله می‌باشد. مثل " وقتی من برای حل یک مشکل برنامه ریزی می‌کنم، من اغلب مطمئنم که می‌توانم برنامه ریزی را انجام دهم."

سبک گرایش و اجتناب، تمایل جهت گرایش یا اجتناب از فعالیت‌های گوناگون حل مسأله می‌باشد " مثلاً وقتی من با مشکل روبرو می‌شوم، معمولاً جستجو نمی‌کنم که بفهمم چه عواملی از محیط اطرافم در حل مشکل من مشارکت دارند." کنترل شخصی شامل، اعتقاد فرد در این زمینه است که رفتارها و هیجاناتش در هنگام حل مسأله در کنترلش می‌باشد. " مثلاً من معمولاً در موقعیت حل مسأله قضاوت‌های فردی می‌نمایم و بعد پشیمان می‌شوم."

پرسش نامه حل مسأله توسط رفعتی با راهنمایی خسروی سال ۱۳۷۵ ترجمه گردید و برای اولین بار در ایران استفاده شد. این پرسش نامه دارای ۳۲ سؤال بود. لیکن چون از طریق یک نشریه در انگلستان به دست آن‌ها رسیده بود. سؤال ۹ آن موجود نبود و از آن‌جا که هپنر و کراسکوف (۱۹۸۷) پیشنهاد می‌کنند که حل - مسأله مترادف با مقابله با هر موقعیتی است که به طور عینی یا ذهنی به عنوان مشکل که باید رفع شود در نظر گرفته می‌شود. (نقل از الیوت، ۱۹۹۰). به جای سؤال ۹ یک سؤال از پرسش نامه مهارت‌های مقابله ای ترجمه برهانی جایگزین شده است.



آزمون فوق با توصیه استاد راهنما و مشاور در جامعه مورد پژوهش قبل از اجرای اصلی به اجرا در آمد و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برابر با $0/86$ محاسبه گردید که ضریبی قابل قبول می باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه تحلیل داده ها در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفت که در سطح آمار توصیفی با استفاده از مشخصه های آماری نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون تی تست و ضریب همبستگی استفاده شد.

فرضیه اول: بین توانایی حل مساله و سازگاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور آزمودن این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است و نتایج آن در جدول زیر آورده شده است:

جدول (1): رابطه بین توانایی حل مساله و سازگاری اجتماعی

متغیرها	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
حل مساله	53/36	58	4/87	0/90	0/001
سازگاری اجتماعی	121/77	58	7/75		

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود مقدار ضریب همبستگی برابر با $0/90$ گردیده که این مقدار در سطح $0/001$ معنادار گردیده و و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که بین حل مساله و سازگاری اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین توانایی حل مسأله دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد .

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتیجه آن در جدول زیر آمده است .

جدول شماره (۲): بررسی تفاوت بین توانایی حل مسأله دختران و پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۲۹	۵۳/۶۸	۵/۲۳	-۰/۵۰۸	۵۶	۰/۶۱۴
دختر	۲۹	۵۳/۰۳	۴/۵۷			

همانگونه که مشاهده می‌شود مقدار t برابر با $-۰/۵۰۸$ - گردیده که این مقدار با درجه آزادی ۵۶ در سطح $۰/۶۱۴$ معنادار گردیده و چون سطح قابل قبول معناداری کمتر از $۰/۰۵$ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین توانایی حل مسأله دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین میزان سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره (۳): بررسی تفاوت میزان سازگاری دختران و پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۲۹	۱۲۰/۴	۷/۵۹	۱/۳۱۲	۵۶	۰/۱۹۵
دختر	۲۹	۱۲۳/۱۰	۷/۸۱			

همانگونه که مشاهده می‌شود مقدار t برابر با $۱/۳۱۲$ گردیده که این مقدار با درجه آزادی ۵۶ در سطح $۰/۱۹۵$ معنادار گردیده و چون سطح قابل قبول معناداری کمتر از $۰/۰۵$ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین میزان سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه پژوهشگر رد می‌شود.

فرضیه چهارم: بین ابعاد سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد.

برای پاسخ به این سوال از آزمون تی مستقل استفاده گردید که نتیجه آن در جدول زیر آمده است.

جدول (۴): تفاوت بین پسران و دختران در ابعاد سازگاری

ابعاد سازگاری	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
اجتماعی	زن	۲۹	۴۳/۸۶	۴/۸۶	۰/۴۲	۵۶	۰/۶۷

			۴/۴۵	۴۳/۳۴	۲۹	مرد	
عاطفی	۰/۰۵	۵۶	۱/۸۶	۲/۹۳	۴۰/۲۷	۲۹	زن
				۳/۲۴	۳۸/۷۵	۲۹	مرد
آموزشی	۰/۵۳	۵۶	۰/۶۲	۲/۹۸	۳۸/۸۹	۲۹	زن
				۳/۷۲	۳۸/۳۴	۲۹	مرد

همانگونه که مشاهده می شود تنها مقدار سطح معناداری بعد عاطفی کمتر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) گردیده، بنابراین نتیجه می گیریم که پسران و دختران تنها در بعد عاطفی سازگاری با هم تفاوت دارند و همانگونه که می بینیم دختران در این بعد قوی تر از پسران هستند.

آموزشی	اجتماعی	عاطفی	ابعاد سازگاری	
			ابعاد حل مسأله	گرایش اجتناب
<u>0/779</u>	<u>0/370</u>	<u>0/136</u>	سطح معناداری	گرایش
-0/038	-0/121	-0/200	ضریب همبستگی	اجتناب
<u>0/408</u>	<u>0/266</u>	<u>0/046</u>	سطح معناداری	شخصی
0/111	0/148	0/264	ضریب همبستگی	
<u>0/724</u>	<u>0/031</u>	<u>0/555</u>	سطح معناداری	کفایت حل
0/047	0/283	0/079	ضریب همبستگی	مسأله

فرضیه پنجم: بین ابعاد حل مسأله و ابعاد سازگاری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (5): رابطه بین ابعاد حل مسأله و ابعاد سازگاری

همان طور که از جدول (5) مشاهده می شود، چون سطح معناداری قابل قبول کمتر از 0/05 می باشد. پس، بین بعد عاطفی و شخصی، بعد اجتماعی و کفایت حل مسأله رابطه معناداری وجود دارد و در دیگر ابعاد سازگاری و حل مسأله رابطه معنادار وجود ندارد.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در تحلیل ارتباط عوامل حل مسأله با مکانیزم های سازگاری می توان گفت که چنانچه در موقعیت های بحرانی و استرس زا، از مسأله اجتناب نکرده و با آن مواجه شوند، در این صورت امکان حل و رفع و یا سازگار شدن نیز می تواند وجود داشته باشد. در صورتی که از آن موقعیت اجتناب کنند، هم در شرایط استرس زا تغییری ایجاد نخواهد شد و هم احتمالاً به لحاظ نا آگاهی میزان استرس فرد بالاتر خواهد رفت. در ضمن در عامل کفایت حل مسأله نیز چنانچه فرد این اعتماد به خود را داشته باشد که می تواند با مشکل مواجه شود، طبیعتاً توان برخورد با مسأله را خواهد داشت. به علاوه چنانچه فرد هنگام مواجهه با مشکل بتواند هیجانانش را کنترل کند، این عامل به نوبه خود سهم بسزایی در بروز رفتار سازگار یا ناسازگارانه خواهد داشت، چراکه طبق رویکرد شناختی، اندیشه، ادراک و انتظارات فرد در مقابل رویدادها می تواند هیجانانگیز و مخرب و ناسالم ایجاد کند و این هیجانانگیز به نوبه خود موجب رفتارهای نادرست و غیر مؤثر می گردند. می توان گفت که حل مسأله به عنوان یک کل، سایر حوزه هایی را که انسان در زمینه های مختلف اجتماعی، شغلی و ... ناگزیر از مواجه شدن آن هاست را تحت الشعاع قرار می دهد و پایه و اساس زندگی سازگاران محسوب می شود. (نوری، 1380).

در تعریف سازگاری باید گفت که هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که حالات ناخوشایندی به فرد دست می دهد و برای ایجاد توازن نیازمند نیروهای داخلی و حمایت های خارجی باشد، در این اسلوب در به کارگیری ساز و کارهای جدید موفق شود و مسأله را به شکل صحیح حل کند، فرایند سازگاری به وقوع پیوسته است. (اسلامی نسب، 1373). مشاهده می شود که در این جا نیز دستیابی به مکانیزم های سازگاری منوط به مهارت های مشکل گشایی شده است.

همچنین شواهد نشان می دهد که افرادی خود را در حل مسائل توانا ارزیابی می کنند، که در شرایط عمومی و معمولی (هپنر، کامپا*، 1987 و نزو، 1985) و شرایط استرس زا (نزو، رهان**، کالمار***، 1985) استرس کمتری دارند و با منابع محیطی اطرافشان آشنایی کامل دارند. (نیل**** و هپنر، 1986) و مهارت های بین فردی شان نیز بیشتر از



افرادی است که خود را در حل مسائل ناتوان ارزیابی می کنند (هینر، هیل، ****، نیل، ویلشتاین ****، 1982). افرادی که خود را در حل مسائل توانا ارزیابی می کنند، اعتقادات غیر منطقی کمتری داشته و کفایت بالایی در تصمیم گیری ها از خود نشان می دهند. (الیوت شاروت و ویتی، 1990، لارسون و هینر، 1985، نقل از رفعتی).

فرضیه اول: بین مهارت حل مسأله و میزان سازگاری رابطه وجود دارد.

فرض اول در این پژوهش تأیید شده است. نتایج اجرای آزمون همبستگی مشخص کرده است که، اولاً، در بین تمام خرده مقیاس های پرسش نامه حل مسأله با هم و ثانیاً بین سه حیطه پرسش نامه سازگاری و نمرات کلی آن دو و همچنین عوامل این دو پرسش نامه با یکدیگر، ارتباط معنادار وجود دارد. به این معنا که بین مهارت حل مسأله و میزان سازگاری ارتباط مثبت یا مستقیم وجود دارد.

همچنین نتایج تحقیقات سهرابیان (۱۳۷۹)، افشارنیاکان (۱۳۸۱) با نتایج تحقیق حاضر همسویی دارد.

فرضیه دوم: بین توانایی حل مسأله دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تی مستقل استفاده گردید که مشخص گردید که بین توانایی حل مسأله دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد

فرضیه سوم: بین میزان سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد.

همانگونه که از جدول (۳) مشاهده می شود مقدار t برابر با $۱/۳۱۲$ گردیده که این مقدار با درجه آزادی ۵۶ در سطح $۰/۱۹۵$ معنادار گردیده و چون سطح قابل قبول معناداری کمتر از $۰/۰۵$ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که بین میزان سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه پژوهشگر رد می شود.

در تبیین و توجیه نتایج حاصل از این پژوهش در فرضیه سوم می توان گفت که همسانی در میزان سازگاری های گروه دختران و پسران می تواند ناشی از رشد آگاهی های اجتماعی جامعه در سال های اخیر و بالا رفتن حضور دختران و پسران در عرصه های اجتماعی باشد. به علاوه در سال های اخیر نگرش برتر جامعه به فرزند پسر و تفاوت های



ارزشی که در این رابطه بین دو جنس در جامعه و خانواده ها قائل می شوند ، به مراتب کمتر از گذشته است ، که این مسأله باعث شده دختران محدودیت های ارتباطی کمتری نداشته باشند و تعاملات اجتماعی شان مشابه گروه پسران باشد که این امر نیز به نوبه خود می تواند باعث افزایش و گسترش سازگاری های ارتباطی آن ها شود . همچنین نتایج تحقیقات عظیمی (۱۳۷۶)، سهراییان (۱۳۷۹)، افشارنیاکان (۱۳۸۱) با نتایج تحقیق حاضر همسویی دارد.

فرضیه چهارم: بین ابعاد سازگاری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد .

همانگونه که از جدول (۴) مشاهده می شود تنها مقدار سطح معناداری بعد عاطفی کمتر از سطح قابل قبول (۰/۰۵) گردیده، بنابراین نتیجه می گیریم که پسران و دختران تنها در بعد عاطفی سازگاری اجتماعی با هم تفاوت دارند و نزدیک سطح معناداری بوده است. همچنین نتایج تحقیقات مندلویتیز (۱۹۹۱)، محمدی (۱۳۷۷)، بلاک هرسن (۱۳۸۰)، عظیمی (۱۳۷۶)، سهراییان (۱۳۷۹)، افشارنیاکان (۱۳۸۱) با نتایج تحقیق حاضر همسویی دارد.

فرضیه پنجم : بین ابعاد حل مسأله و ابعاد سازگاری رابطه معناداری وجود دارد.

همان طور که از جدول (۵) مشاهده می شود، چون سطح معناداری قابل قبول کمتر از 0/05 می باشد. پس، بین بعد عاطفی و شخصی ، بعد اجتماعی و کفایت حل مسأله رابطه معناداری وجود دارد و در دیگر ابعاد سازگاری و حل مسأله رابطه معنادار وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- اسلامی نسب، علی. (1374)، روان شناسی سازگاری، چاپ و نشر بنیاد.
- افشار نیاکان، صفورا. (1381)، بررسی و مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی و آموزشی در دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علوم تربیتی.



- رفعتی، مریم. (1375)، بررسی نقش حالات خلقی بر نحوه خود ارزیابی از توانایی حل مسأله انسان. **پایان نامه** کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.
- سهرابیان، طاهره. (1379)، تأثیر نگرش مذهبی بر سازگاری، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه الزهرا.
- عظیمی، مریم. (1376)، بررسی علل پرخاشگری با تأکید بر کاربردپذیری شیوه حل مسأله در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر قزوین، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، چاپ نشده، دانشگاه قزوین.
- محمدی، حسین. (1383)، بررسی رابطه سبک‌های حل مسأله سازنده و غیر سازنده، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شیراز.
- نوری، علی. (1380)، بررسی ارتباط خودگویی‌های درونی با سازگاری اجتماعی، عاطفی و آموزشی، **پایان نامه** کارشناسی ارشد، تهران.
- Heppner. Peterson. (1982), the development and Implication of a personal – problem – solving inventory journal of counseling psychology. 29 (1)915-66.
- Hill – Briggs , Felicia Ruben J . Echmendia (2001) – Association of Metabolic control with problem solving skills. In Diabetes care.
- <http://www.findarticles.com>
- Mendelowitz , dave e .(1991) the effect of a group counseling and problem – solving Model for college – bound high school seniors on perceive Adugstment to college (EDD) St. John`s university (Newyork).